

نعمت احمدی نسب وکیل دادگستری تصریح کرد

مشکل‌گشای مسائل آب:
بازگشت به قانون و درخواست اجرای آن

برخی از صاحب‌نظران مدعی هستند که مطالبه‌گری یکی از روش‌های بازیابی حقوق از دست رفته است و مرتباً پیگیری مطالبات در چارچوب قوانین موجود را یادآور می‌شوند. پیرامون این موضوع پای صحبت نعمت احمدی‌نسب فوق‌لیسانس حقوق و دکترای تاریخ نشستیم. وی علاوه بر اینکه حقوقدان و وکیل دادگستری است باغداری پسته در منطقه ساوه استان مرکزی را نیز در کارنامه خود دارد. در این شمارهٔ ماهنامه دنیای پسته، او از لزوم و چگونگی مطالبه‌گری بهره‌برداران منابع آبی و موانع پیش‌رو سخن می‌گوید.



نعمت احمدی نسب
وکیل دادگستری

آقای احمدی! چه مسیرهایی برای بهره‌برداران منابع آبی برای احقاق حقوق تضییع شده‌شان وجوددارد؟

هر تصمیمی که حاکمیت می‌گیرد باید در چارچوب قانون باشد؛ یعنی قانونِ مصوب لازم‌الاجرا ست. البته هیچ‌کس نمی‌تواند حقوق و آزادی‌ها و حق مکتسبه مردم را ولو با قانون‌گذاری محدود و تحدید کند. حقوق مکتسبه یعنی حقوقی که طی تشریفاتی به‌دست می‌آید؛ مثلاً شما رفتید دانشگاه مدرک تحصیلی گرفتید، امروز باید از مزایای آن استفاده‌کنید و من به‌عنوان وزیر علوم نمی‌توانم بگویم مدرک تحصیلی شما باطل است یا مدرک تحصیلی شما از دکتری تبدیل به کارشناسی‌ارشد شده یا از کارشناسی‌ارشد به دیپلم تقلیل یافته‌است.

قوانینی که در مجلس شورای اسلامی مصوب می‌شود برابر با قانون اساسی و توسط شورای نگهبان از نظر تطبیق با قانون اساسی و شرع مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگر مخالف با شرع یا قانون اساسی تشخیص داده شود، شورای نگهبان به مجلس بر می‌گرداند و اگر مجلس نظر شورای نگهبان را تأمین کرد، تصویب می‌شود و چنانچه اصرار به تصویب آن باشد جزو موارد اختلافی به مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌رود. این قوانین لازم‌الاجرا هستند.

اما در این بین بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی وجود دارد که توسط هیئت دولت مصوب می‌شوند. این مقررات چون سنگ محک تطبیق با شرع و قانون اساسی را نمی‌خورند، راهکار ابطال دارند و می‌توان به دیوان عدالت اداری رجوع کرد. مردم می‌توانند از بخشنامه‌هایی که بر خلاف شرع و قانون باشند و یا مجریان فراتر از قانون عمل کرده‌باشند به دیوان عدالت اداری علیه آن شخص نیز اقدام کنند. البته به دادگستری‌ها که صلاحیت عام رسیدگی به تظلمات عمومی را دارند نیز می‌توان مراجعه کرد. اما درد ما بهره‌برداران جای دیگری است.

منظورتان از اینکه درد ما بهره‌برداران جای دیگر است، چیست؟

این درد بدر دو بخش است: یکی برمی‌گردد به حمایتی که از چاه‌های غیرمجاز در کشور می‌شود، گفته‌می‌شود به همان اندازه‌ای که چاه مجاز داریم چاه غیرمجاز هم داریم. اینها از کجا حمایت می‌شوند؟ الان چاه یا باید به‌وسیله برق (برقی باشد) یا به‌وسیله گازوئیل آبکشی داشته‌باشد. وقتی شما بخواهید موتور یک چاهی را برقی کنید، باید مجوز حفر چاه و پروانه بهره‌برداری را ببرید تا برایتان برقی‌اش کنند. اگر چاهی مجوز ندارد و برقی شده‌باشد، باید پیدا کرد چه کسی مجوز را داده و برقی کرده است!! اگر برقی نباشد از گازوئیل استفاده می‌کنند. (یعنی موتور دیزل دارند). ما برای تأمین گازوئیل تراکتورهای مزرعه‌مان هفت خان رستم را رد می‌کنیم؛ آقایان می‌آیند و می‌گویند تراکتورها را بیاورید تا نمره کنیم، اسناد بیاورید، بیمه کنید و هر دوره هم نظارت می‌کنند که آیا این تراکتورها کار می‌کنند یا نه، تا گازوئیل مصرفی تراکتور را بدهند. باید پرسید چاه‌های غیرمجاز چطور سوخت‌شان تأمین می‌شود؟

متأسفانه باید گفت یکی از عواملی که باعث بقا و دوام این چاه‌های غیرمجاز می‌شوند نمایندگان مجلس هستند. نمایندگان مجلس در حوزه انتخابیه خودشان دنبال رأی هستند و به همین جهت به‌دنبال شناسنامه‌دار کردن این چاه‌ها هستند. بخش دوم برمی‌گردد به اینکه عده‌ای برابر شرایط قانونی مجوز گرفتند و اقدام به حفر چاه و بعد با اتکا به پروانه بهره‌برداری و لیتراژ معین سرمایه‌گذاری کردند، بنده ۲۸ سال پیش در ساوه اقدام به احداث باغ با پروانه ۳۵ لیتری آب کردم. آن‌زمان کارشناس‌ها آمدند بر اساس لیتراژ و مساحت، اندازه کشت را تعیین کردند. حتی یکی، دو بار هم با این پروانه وام گرفتیم و برای طرح احداث سیستم قطره‌ای این پروانه مبنا قرار گرفت. امروز شرکت آب منطقه‌ای می‌گوید لیتراژ را کم کنید. کاری کردند که کشاورز جرأت ندارد از جلوی سازمان آب عبور کند یا حتی به سازمان آب تلفن بزند! می‌گویند نیم لیتر از آبی که داری کم شد، دو لیتر کم شد، چهار لیتر کم شد.این بخش دوم برمی‌گردد به ما بهره‌برداران که متحد نیستیم. ما در یک هماهنگی می‌توانیم علیه این اقدام غیرقانونی از طرق قانونی اقدام کنیم.

به نظر شما چرا کشاورزها در این زمینه متحد نیستند ؟

بخش کشاورزی ما عمدتاً سنتی است و یک تسلیم‌پذیری ارباب و رعیتی دارد. متأسفانه بخشی هم که تحصیل کرده هستند معضلات دیگری دارند که دنبال این مسائل و موضوعات نمی‌روند، مگر اینکه کارد به استخوان برسد. به‌قول افغانی‌ها می‌گویند ما زیر بار زور نمی‌رویم، مگر اینکه زور خیلی پر زور باشد.به نظرم چنانچه این کنتورهای حجمی عملیاتی شوند و باعث شود آب خودکار قطع شود و برق چاه هم قطع گردد یک اتحاد و اتفاقی شکل بگیرد که کشاورزان به‌دنبال قضیه بروند.

آقای احمدی آیا این عدم اقدام کشاورزان به اصطلاح استخوان لای زخم بودن بخش کشاورزی نیست؟ یعنی

شما مثلاً نیاز به مجوز یا نامه‌ای دارید، تسهیلاتی بخواهید بگیرید یا نیاز داشته‌باشید که سیستم‌های نوین آبیاری اجرا کنید، و پیگیری کردن شما برای حقوق تضییع شده‌تان باعث شود که در چنین مواردی با عدم همکاری شرکت‌های آب منطقه‌ای روبه‌رو شوید؟

متأسفانه ما این گروکشی‌ها را داریم.

پس این گروکشی‌ها باعث می‌شود افراد ترجیح دهند که وارد آن مرحله نشوند و مدارا کنند و از مسیرهای کم دردسرتر مسائل‌شان را پیش ببرند.

یکی از مشکلات ما این است که در کشور ما حزب شکل نگرفته، انجمن شکل نگرفته، اتحادیه، تشکیلات و سندیکا شکل نگرفته‌است. ما اسامی دهن‌پُرکنی برای بخش خصوصی داریم، مثل انجمن پسته و خانه کشاورز، ولی آیا تأثیرگذاری‌شان را هم داریم؟ یعنی آیا منِ کشاورز از خانه کشاورز، از انجمن پسته حمایتی، حرکتی، چیزی دیده‌ام؟ به نظرم این مجموعه‌ها باید از حالت کاغذی و پشت میز نشینی در بیایند.

من به کرات در نوشته‌هایم گفته‌ام که من نمی‌خواهم وزیر کشاورزی بیاید سر مزرعه من و بگوید تو به‌عنوان یک باغدار با ۲۰۰ هکتار باغ داری چکار می‌کنی؟ حداقل متوقع هستم که رئیس اداره کشاورزی به مشکلات ما فقط گوش دهد. الان وزارت کشاورزی ما تبدیل شده به یک نهاد که تأمین کننده مرغ و تخم مرغ و غیره است. درواقع، الان وزارتخانه کشاورزی مملکت به کار دیگری مشغول است و از طرفی هم امور من کشاورز در یک نهاد مجتمع نیست. آب باغدار را باید سازمان آب بدهد که از کشاورزی چیزی نمی‌داند، برقش را وزارت نیرو، گازوئیل‌اش را شرکت نفت بدهد و از طرفی قیمت‌گذاری‌اش را وزارت صمت و... یعنی ما می‌شویم یک قبای چهل تکه که هر گوشه‌مان به یکی وصل است و چون متحد نیستیم وچون یک جمع نیستیم مجبوریم به‌تنهایی گلیم خودمان را از آب بکشیم. گلیم‌مان را چه شکلی از آب می‌کشیم؟ وقتی که می‌بینم الان سمبه پر زور نیست و تنها می‌گویند سه لیتر از پروانه‌ات کم شده. من هم می‌گویم او دارد حرف خودش را می‌زند، من هم کار خودم را می‌کنم.

تشکل‌ها و سمن‌ها از لحاظ قانونی امکان اینکه به نمایندگی از اعضای‌شان وارد پروسه دادخواهی شوند را ندارند و حتی در صورت ورود به پروسه دادخواهی باید به شرکت‌های آب منطقه‌ای مراجعه کنند! از لحاظ پیگیری‌های اداری و مطالبه از مسئولان هم در اغلب موارد در بوروکراسی دولتی گیر می‌کنند و با عوض شدن مدیران دوباره پیگیری‌ها به خانه اول برمی‌گردد.

بله درست است، با قانون دست سمن‌ها را بسته‌ایم. متأسفانه دیدگاه شخصی رؤسای ادارات تنظیم کننده خط مشی سیر اداری آن اداره است که این خلاف همه اصول است. نهاد دولتی ناظر، برای راهگشایی و ایجاد بستر مناسب‌تر در جهت رفاه بهره‌بردارها است، اما نهادهای دولتی الان تشکیل می‌شوند بر مشکلات ما می‌افزایند. همه اینها باعث می‌شود که ما جزیره‌های تنها در اقیانوس مواج فشارهای حاکمیتی، رقابتی و... قرار بگیریم.

به نظر شما در چنین شرایطی سمن‌ها و تشکل‌ها چه کاری باید انجام دهند؟

سمن‌ها و تشکل‌ها مجوز فعالیت دارند و شخصیت حقوقی هستند. آنها باید به نمایندگی از بهره‌برداران از این جایگاه قانونی خود استفاده کنند. مسلماً با فشارها و موانعی روبه‌رو می‌شوند. به‌نظرمن، تشکل‌ها و انجمن‌ها باید محافظه کاری را کنار بگذارند و از مسیرهای قانونی در دیوان عدالت اداری و دادگستری‌ها برای برخورد با کارهای فرا قانونی سازمان‌ها استفاده کنند. اگر از ابتدا و از زمانی که برای کف شکنی و جابه‌جایی چاه‌ها به شرکت‌ها مراجعه می‌کردیم و دبی پروانه‌ها را غیر قانونی کم کردند ورود کرده‌بودیم، امروز با این وضعیت روبه‌رو نبودیم.

باید بگویم که بزرگ‌ترین پشتیبان اعمال غیرقانونی سازمان‌هایی همچون شرکت‌های آب منطقه‌ای، نمایندگان مجلس هستند. متأسفانه نمایندگان حامیان چاه‌های غیرقانونی هستند که نمود آن را در قانون تعیین تکلیف چاه‌های فاقد پروانه در سال ۱۳۸۹ مشاهده کردیم. اگر دیر بجنبیم، دیر نیست که با طرحی از سوی نمایندگان با تضییع حقوق بهره‌برداران قانونی، چاه‌های غیرمجاز از حمایت‌های بیشتری بهره‌مند خواهندشد.

در مورد کاهش پروانه‌ها که یک عمل فرا قانونی است بهره‌برداران چه کاری باید انجام دهند؟

باید اذعان کنم که کار فردی به نتیجه نمی‌رسد. باید تشکل‌ها، انجمن‌ها، خانه کشاورز و... به این مسئله از مسیر قانونی ورود کنند. درواقع، باید قانون در جامعه حاکم باشد. قانون حرکت‌های اجتماعی را به سمتی می‌برد که حقوق همه حفظ شود و عدالت برای همه برقرار شود. باید بگویم که بازگشت به قانون و درخواست اجرای قوانین موجود راهگشای مسائل آب در کشور است.